

اصل عدم تعهد، اصل همزیستی مسالمت آمیز، اصل پشتیبانی از مبارزه خلق ها بر ضد امپریالیسم باید اصول سیاست خارجی ایران باشد



دوره هفتم، سال اول، شماره ۷۵
پنجشنبه ۳ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

نظریات و تمایلات افراد و اشخاص قرار گیرد در عمل مناسبات دو جانبه خارجی ایران با کشورهای مختلف و یا بهنگام موضعگیری نسبت به مسائل بین المللی، تا استوار و سرورگم شود و احیاناً گمراه و زیان بخش گردد. برای تدوین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید واقعیات سه گانه زیر را میناقش کرد:

- ۱- امپریالیسم بین المللی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، همراه با دست نشاندهان و عوامل، یگانه نیروی مداخله گر، استیلاجو، تجاوزکار و غارتگر در عرصه بین المللی است. امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی، واقعی و فداکار کشور و خلق ماست. بنا بر این فداکاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راه نامن استقلال واقعی کشور میبایستی مبتنی بر مبارزه با این دشمن، دفع خطرات و سد راه سلطه و نفوذ سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی آن باشد.
- ۲- ایران مابرای روی این که خاکی قرار گرفته و ناگزیر باید با کشورهای مختلف روابط و مناسباتی داشته باشد. این روابط و مناسبات باید چنان باشد که استقلال کشور را نیز زرد مستقل آنرا تأمین کند، بقیه در صفحه ۲

در پیشنهاد پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه متحد خلق، برنامه حزب ما در تمام زمینه های زندگی اجتماعی، که میتواند زمینه ای برای بحث و تبادل نظر بین نیروهای انقلابی، بمنظور تنظیم برنامه مشترک جبهه متحد خلق قرار گیرد، اعلام شده است.

روزنامه «مردم» در نظر دارد که اجزاء مختلف این برنامه را، با توجه به تجارب هشت ماهه انقلاب بزرگ مردم ایران، تشریح کند و در معرض قضاوت افکار عمومی قرار دهد. باشد که این تلاش، به نزدیک کردن نظرها و مواضع و برنامه ها و سرانجام تشکیل جبهه متحد خلق، یعنی یگانه ضامن پیروزی مبارزه بخاطر تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب، یاری رساند.

نخستین سلسله مقالات در این زمینه، درباره «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» است.

استقلال واقعی در تمام ابعاد آنست. بنا بر این عرصه فعالیت و مبارزه سیاست خارجی بسیار گسترده است. این عرصه هموار نیست. برای بیمودن آن باید مجهز به اصول مدونی بود، زیرا بدون تدوین این اصول و تکمیل بر آنها، سیاست خارجی کشور ما نمیتواند مستحوش

یکی از مهمترین اهداف انقلاب رهایی بخش ایران، پایان دادن به سلطه سیاسی، نظامی، اقتصادی، و فرهنگی امپریالیسم، تا من استقلال واقعی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشور ما بوده و هست. وظیفه سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی، تأمین این

دلایل جدید برای اثبات نمایندگی آقای مهدی بهادران از جانب امام

چرا به محتوای گزارش آقای مهدی بهادران درباره کردستان رسیدگی نمیشود؟

در تاریخ ۲۳ مهرماه، در روزنامه «انقلاب اسلامی» گزارشی از آقای مهدی بهادران انتشار یافته که در آن، گزارش دهنده مجموعه مشاهدات و بررسه های ۲۵ روزه خود در نطقه و حومه و بقیه جاهای آذربایجان غربی و کردستان، را شرح داده و آنرا «توطئه مرموزی که در کردستان و آذربایجان غربی در جریان است» برده برداشته است. در این گزارش گفته میشود که برخی

امام خمینی است و گفته شده که ایشان بدستور شفاهی امام و دستور کتبی آیت اله منتظری برای بررسی اوضاع کردستان و آذربایجان غربی به آن نواحی مسافرت کرده است.

«مردم» در شماره ۶۸، مورخ ۲۵ مهرماه ۱۳۵۸، با تائید بر این امر که روی افراد و اشخاص انگشت نمیکند، ولی روی کتبه جناسیت بسیار و مدد درصدمه تصنیی ماجرای کردستان انگشت نمیکند و با اسرار، انگشت میکند، زیرا تنها سر نوشت یک خلق ستم دیده، که پس از نیم قرن خفقان بهلوی میطلبید که بر اجتناب نفس بکشد، مطرح نیست، بلکه سر نوشت مجموع انقلاب ایران مطرح است، گزارش لرزاننده آقای مهدی بهادران را منتشر ساخت و از زمامداران کشور و مسئولان امور خواست که به گزارش آقای بهادران درباره حوادث کردستان به فوریت و عمیقاً رسیدگی شود.

ولی علیرغم آنکه انتشار گزارش آقای بهادران یکماه پس از ارائه آن صورت گرفته است، متأسفانه مسئولان امر با این مسئله بغایت مهم، به هیچ وجه جدی برخورد نکردند و بجای پاسخگویی به کتبه و محتوی آن، به تکذیب نمایندگی ایشان از طرف امام خمینی پرداختند، گویی سخن فقط بر سر اینست که ایشان نماینده امام خمینی در کردستان بوده اند یا نه، و گویی اگر عدم صحت نمایندگی ایشان ثابت شود، مساله پایان خواهد یافت (هرچند که نمایندگی آقای بهادران از طرف امام میتواند به گزارش ایشان ابعاد جدی تر و رسمی تر ببخشد)

دفتر نخست وزیری بجای پرداختن به محتوی گزارش آقای بهادران در مورد علیل به وجود آمدن فاجعه کردستان، به تکذیب نمایندگی ایشان از طرف امام و دفع اتهام از یکی از مسئولین پرداخت. تیسار شاکر، رئیس ستاد مشترک نیز در نامه ای که در روزنامه «انقلاب اسلامی» درج شده است، نمایندگی آقای بهادران از طرف امام را «چپطور کتبی و شفاهی» تکذیب میکند.

«مردم»، در شماره ۷۲ خود، بقیه در صفحه ۲

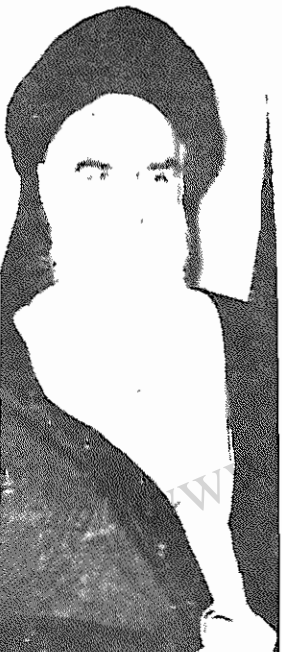
سمینار کشاورزی و رشکستگی و ابتدال برنامه های وزارت کشاورزی را آشکار تر ساخت

در سمینار صفها مشخص بود: در یک طرف آقای وزیر و همکاران و طراحان و همفکران بلند پایه او و بستگان آنها و در طرف دیگر نمایندگان دهقانان و گروهی از کارشناسان صاحب نظران

در شرایطی که مبارزات پیکار جوانان دهقانان ایران بخاطر بدست آوردن زمین و آزادی هر روز بیشتر گسترش می یابد، در زمانی که فریاد دهقانان بی زمین و کم زمین، روستاییان گرسنه و محروم و ستم دیده و آواره از ظلم و ستم زمینداران بزرگ به آسمان میرسد، در روزهایی که برنامه ها و سیاستهای ضد دهقانی، ضد مردمی، ضد اسلامی و ضد انقلابی وزارت کشاورزی نفرت و خشم همه مردم، بویژه روستاییان را برانگیخته است و قانون «نحوه زمینداری و واگذاری اراضی موات...» را به حق یکی از نمونه های بارز چنین سیاستی میدانند، در چنین اوضاع و احوالی است که آقای وزیر کشاورزی و دولتمردان همفکر و همگام او «سمینار مسایل کشاورزی، روستایی و عشایری ایران» را برپا میکنند، تا مگر به بهانه «مروری بر گذشته، تصویری از وضع موجود، تشریح هدفها، سیاستها، خط مشی ها و برنامه های اجرایی دولت فعلی»، در تحکیم و تثبیت پایه های سیاست ارتجاعی خود توفیق یابند و امواج اعتراضها را فرو نشانند.

بقیه در صفحه ۲

حزب توده ایران با دیگر همبستگی خود را با امام خمینی رهبر انقلاب ایران اعلام میدارد



روز جمعه ۴ آبان ماه ۱۳۵۸، راهپیمایی مردم ایران برای ابراز همبستگی با امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، انجام خواهد گرفت. حزب توده ایران، پیرو مشی اصولی خود در پشتیبانی پیگیر از موضع قاطع، ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، همبستگی خود را با این راهپیمایی اعلام می دارد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۳ آبان ۱۳۵۸

پاکسازی در دستگاه دولتی خواست مبرم انقلاب است

در آستانه نهمین ماه انقلاب، دستگاه دولتی همچنان دست نخورده باقی است. بغیر از وزیران دوران پهلوی، که بدلیل شرکت مستقیم در تبهکاریهای رژیم شاه مخلوع، از راس وزارتخانه ها برکنار شدند، اکثریت قریب به تمام مدیران کل، رؤسا و کسانی که در دوران طاغوت، هم شاغل مقامهای حساسی بوده اند و هم در اقدامات ضد مردمی و خائنانه آن رژیم شرکت داشته اند، یا بر سر پست های خود باقی هستند و یا فقط جا بجا شده اند. نمونه روشن این جایجائی را هنگام اعلام ملی شدن بانکها به چشم دیدیم که اکثریت مدیران تازه، همان دست اندرکاران دوران طاغوت بودند، که فقط تغییر سمت دادند، در برخی موارد حتی معاونان وزارتخانه ها هم تغییر نکرده اند و بطوریکه در شماره های گذشته «مردم» نوشتیم، یکی از معاونان وزارت کشاورزی در پنج کابینه دوران طاغوت معاون این وزارتخانه بوده و معاون دیگر این وزارتخانه در دولت آدمکش ازهار، معاون وزیر و مسئول بسیاری از تصمیمات و اقدامات ضد مردمی آن دوران بوده است.

چندی پیش مردم شاهد اعتصاب و اعتراض جمعی از کارکنان وزارت اقتصاد و دارائی بودند، که به عدم پاکسازی در این وزارتخانه و ابقاء همان کارمندان عالیرتبه دوران شاه مخلوع معترض بودند و متأسفانه فریادشان بجائی نرسید.

اخیراً روزنامه نوشتند که هنگام سفر یک هیئت مهم اقتصادی به کشور دانا، در فرودگاه مهر آباد معلوم شد که رئیس هیئت نمایندگی، که در مقام وزارت انجام وظیفه میکند، و یکی دیگر از

اعضای هیئت که در راس مهمترین سانگ کشور قرار دارد، جزولیت ممنوع الخروج ما هستند. ناگهان تمام تلفن های نخست وزیری سه گفتگو آمد تا توانست آنانرا با تاخیر بسوی دانا مارک پرواز دهد

اتحادیه کارکنان شرکتهای تابع و وابسته سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، که ۱۳۰ شرکت تولیدی و خدماتی را در بر میگیرد و بیش بقیه در صفحه ۴

در صفحات بعد:

- سخنی درباره پژوهش و تفکر اجتماعی و علوم اجتماعی در کشور ما - صفحه ۳
- از آزادی شغل و امنیت شغل دفاع کنیم! - نامه سرگماده فریدون تنکابی به ملت ایران - صفحه ۳
- چگونه حل مشکل مسکن در ایران - صفحه ۴
- یاد افسران شهید توده ای فراموش نشدنی است - صفحه ۴
- دوستی با اتحاد شوروی برای همه خلقهای عرب حائز اهمیت فراوان است - صفحه ۴

آتش بس در کردستان شرط حتمی و ضروری برای موفقیت در مذاکرات است

سخنی درباره

پژوهش و تفکر اجتماعی و علوم اجتماعی در کشور ما

بدون داشتن يك مبناي علمی برای تفکر و تحلیل اجتماعی، نیل به نتایج درست محال است

طی دهه‌های اخیر، علوم اجتماعی در کشور ما رخه یافت و پرگسترده‌ترین دانشکده‌های خاص علوم اجتماعی وجود دارد و در دانشگاهها علوم مختلف اجتماعی و سیاسی و مدیریت و غیره تدریس میشود و عده کثیری در کشورهای اروپای غربی و آمریکا علوم اجتماعی آموختند و در این زمینه تألیفات دارند. آری، غالب استادان و دانشوران و پژوهندگان این علوم، آنرا در اروپای غربی و آمریکا فرا گرفته‌اند، یعنی در کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری که در آنها علوم اجتماعی، علمی، زحم‌زورق و بریق اصطلاحات و تئوریات و کثرت‌عناوین کتب تحقیقی و نظریات اجتماعی پرشور و کثرت‌مدارس عالی و پژوهشگاهها و غیره، حلقه ضعیف است. زیرا دانشمندان وابسته به سیستم، به توجوی از انحاء، ظریف و غیر مستقیم، با ارائه نیه حقیقت‌ها و سه چهارم حقیقت‌ها بجای حقایق مطلق، با تظاهر به «جهانی و منصف و بی‌طرف» بودن و با اعتراف فروتنانه به محدودیت و نسبیّت معلومات خویش، در آخرین تحلیل و سرانجام از سرمایه‌داری علیه سوسیالیسم دفاع می‌کنند.

در واقع وضع چنین است که حتی در آن مواردیکه به نظر میرسد عالم اجتماعی خود نوعی «سوسیالیست» است، و حتی مارتس ما بهاء، و یا «مارکسیست‌های ساختگی» نسبت به مسائل مربوط به سوسیالیسم واقفاً و جویبار خودی خوشر و خالی از تمسب و جوینده ندارند. همه احتیاجات آنها تنها پردهای ظریفی بر روی این نتیجه گیری نهائی است که سوسیالیسم واقفاً موجود در «اروپای شرقی» و در واقع نوعی سرمایه‌داری دولتی بود که ارتکاب است و اتحاد شوروی یک ابزار قدرت سبطلر است مانند ابر قدرت‌های دیگر. سرمایه‌داری سوسیالیسم واقف (که هنوز پرسود آنرا نمی‌شناسد) هنوز متضادانه تحقق نیافته و نظامهای اجتماعی غرب بسمراتب بان سوسیالیسم ایده آل نزدیکتر است. تا با اصطلاح سوسیالیسم در شرق، که هر از نمختی و خوشنت است و از جهت اقتصادی نیز کارا نیست. این آقایان برای شما با تجری گاه چشمگیری از مارتس وانگلس و لینن نقل قول می‌آورند، برای آنکه نشان دهند سیستم‌های سیاسی مولود فکر آنها، در واقع کودکان سفته شده و مسخ شده‌اند. خلاصه‌ای که گفتم بدون اغراق صاره و لب لاپ کتا بهای ضمیمی است که بسیار محققان در اطراف انواع مسائل تا لیف می‌شود. در یک کلمه، ما خوبیم، روسیه پیدا است. لداور کنار ما با شوروی و «افشارش» دشمنی کنید و به جاسوسان و وخرا بکاران و مغلطه پراکنانی در خدمت ما مهبل شونده، لینن، این دانشمندان سفسطه گرا، «چاچران دیلم دار امیر یالیسم» نامیده است. همین تلاش برای انکار علمیت جامعه‌شناسی مارتسیستی، همین اسرار در نیدن و نفهمیدن دستاوردهای عظیم این جامعه‌شناسی در عمل، همین کوشش برای بندبازی ماهرانه با رویدادها و واقیقات دستچین شده، همین تمییز شده، بمنظور سیاه کردن واقیعت سوسیالیسم، که یکی غیر از این دعای خصمانه است، موجب ضعف مغز علوم اجتماعی در غرب شده است و این علوم» را به چاه ناداری مفرسانه، به خطل و لوت و سفسطه در واقیعت، به انکار حقایق سوق داده است.

در علوم اجتماعی شیء، برخی از مکتب با اصطلاح «باکتری» است (مثلاً مانند نظریات جامعه‌شناسانه تلکت پارسین در آمریکا) برخی از آنها تحت تأثیر عمیق مسائلی است که مارتسیسم مطرح ساخته و

یا سخونهای بداندست (مثلاً مانند نظریات ماکس وبر و گوردیچ و والت ویترمن دستور و ریوموند آرن و نظریات اجتماعی ستروکتور الیست) و برخی دیگر برای «اصلاح مارتس»، «تکمیل مارتس» و تمییز «مدرن» مارتسیسم است (مانند نوشته‌های لوکاتر، ردم، کارودی، فیشر، لوکچ، ویت فول، بتل‌های ودها ودها اسدیگری). در ایالات متحده آمریکا انسیکلوپدی ده جلدی مارتسیسم به تنیمم نوشته شده است و واتسکن پژوهشگاه ویزه این مکتب را مدتهاست دائر کرده. دیری است که «مطلوع سکوت» را در اطراف مارتس، انگلس و لینن نگاشته‌اند و آنرا (البته بمنظور مسخ و سفسطه و کشتن جوهر انقلابی آن) به چاه و پیل تحقیقات تجریبی (امریک) کشاده‌اند. برای روشن شدن شیوه کار مثالی بساوری، شما میتوانی «فایته کیده» که استخرا عبارت است از مجموعه نظرات آب و هنر قطره آب و کباست از دولکول هیدروژن و یک ملکلر اکسیژن، لدا میتواند وجود استخر را منکر شود و بگوید:

«چه استخری؟ همه اش گاز است». مارتس شناسان و لینن شناسان نیز با ریز ریز کردن اجزاء مختلف بهم پیوسته یک کل واحد، که جهان بینی انقلابی مارتسیستی-لنینیستی نام دارد، با آن مکر و «دلت و لمل» کردن درباره هر چیز، در واقع کیل را منکر میشوند. این یک سفسطه ظریفی است که برای افراد کم تجربه در علم و سیاست، سر در آوردن از «واقع» آن دشوار است.

«واقع» علوم اجتماعی کنونی در کشور ما «مدلنم» عجیبی از این جریانات با بروز در اروپای غربی و آمریکا است. در تفکر برخی از پژوهشگران، جنبه التقاطی غلیظ دیده میشود، جایی از «ورواخیم ولوی پرول» که ای از مارتسیسم و پاراسنیس، گوشه‌ای از سوم پروتال هوسو، یکجا از مارتس و لینن، جای دیگر از مارتس و لینن - و همه اینها بتوان نورترین کلام، آخرین تحلیل جامعه‌شناسانه را دست کردن این چوب کز، دوبراه ساختن اینهمه قضاوت‌های «زدیدار»، کار آسانی نیست. ما تنها با این تصور، که افراد بسیار با حسن نیت و فوق‌العاده با هوش و زحمت کثرت در میان پژوهشگران اجتماعی ما کم نیستند، میخواهیم با آنها زهار یاش بدهیم. مایلم آنها بانظر انتقادی به آموخته‌ها بنگرند، توصیفی که از جهت فلسفی، اقتصادی، اجتماعی، بانگاه واقف،

نامه سرگشاده به ملت ایران

از آزادی شغل و امنیت شغل دفاع کنیم!

آقای فریدون تنکابنی نویسنده سرشناس، نامه سرگشاده‌ای به دفتر مردم ارسال داشته است، که برای اطلاع خوانندگان گرامی و مقامات مسئول در زیر درج میگردد.

ما حرا از آنجا آغاز شد که یکی از دوستان تلفن کرد و گفت که در بیستان سهیل، واقع در جاده قدیم شمیران، به دبیر ادبیات نیاز دارد، آیا حاضری در آنجا تدریس کنی؟ پاسخ دادم که با کمال میل حاضر می‌شوم، چرا که سالها به اجاره، از کلاس و مدرسه دور بوده‌ام، زیرا در این گذشته، مرا نیز مانند بسیاری از همکارانم، از تدریس منع و محروم کرده بود. و فعلاً هم با نشت تمام و فرصت فراغت دارم.

آن دوست گرامی بار دیگر تلفن کرد و گفت که قرار شده است هفته‌ای سه نوبت (دوشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه) به دبیرستان سهیل بروم. روز دوشنبه دوم مهرماه، با شوق و ذوق، به دبیرستان و به کلاس رفتم و چهار ساعت تدریس دادم. ساعادت ادبیات فارسی و یک ساعت دستور زبان، و در همین جا باید بگویم که هیچ‌گونه صحبتی از مسائل سیاسی یا مسائل جاری روز نیست.

فرزاد آن روز دوشنبه بار دیگر تلفن کرد و گفت که به دستور آقای خوش نوسان، رئیس اداره آموزش و پرورش شمیران، از کار تا زمان اخراج و برکنار شدنم، این حرف همچون آب سردی بود که بر سرم ریخته باشند. به وسیله تلفن یا خانم دبیر دبیرستان گفتگو کردم و خبر شدم که آقای رئیس آموزش و پرورش شمیران و معاونشان به دبیرستان آمده‌اند و فهرست وقایع دبیران را نگاه کرده و برنام من انگشت گذاشته‌اند و فرموده‌اند، «این شخص دیگر نباید به دبیرستان بیاید»

و در برابر حیرت و ناباوری مدیر دبیرستان که عهت راپرسیده بود، جناب رئیس مامان ایشان فرموده بودند، «زیرا این شخص کمونیست است»

حیرت خانم مدیر به این سبب بود که گمان میکرد دبیر خوبی پیدا کرده است و چنانکه خود می‌گفت، دانش آموزان نیز از این دبیر تازه اظهار رضایت کرده بودند.

در اینجا، برای این که عواقب به کار گردان «عصص نامطلوبی» مانند من، گریبان گیر مدیر دبیرستان نشود، یادآوری می‌کنم که ایشان هیچ‌گونه آشنایی قبلی با من نداشتند و روزی که به مدرسه رفتم، برای نخستین بار یکدیگر را ملاقات کردیم.

روز یکشنبه هفتم مهرماه، به اداره آموزش و پرورش شمیران رفتم و به آقای خوش‌نوسان، رئیس اداره، گفتم، «من قطعاً آمدم که علت و دلیل این موضوع را که حق ندارم در دبیرستان سهیل درس بدهم، پرسیم و بدانیم»

گفتم که تلفن‌هایی به ایشان شده است و گویا «اولیای دانش آموزان» چنین خواسته‌اند، زیرا تدریس ادبیات فارسی باید در جهت فکری خاصی باشد،

گفتم: «اولاً به صرف این که کسانی چنین خواسته‌اند که نمی‌شود کسی را از کار برکنار کرد. در اینجا داری و تصمیم گیری با شمامت. ثانیاً اگر پیشتریم که «اولیای دانش آموزان» موعوم و خیالی، تشخیص داده‌اند که من صلاحیت تدریس ندارم، این تشخیص براساس آن چهار ساعتی که درس داده‌ام بوده یا نوعی پیشداوری و قضاوت قبلی است»

آقای خوش‌نوسان گفتند که مربوط به قبل از آن بوده است! پاسخ دادم، «دامان هشت سال است که از درس دادن محروم و بی‌کارم». گفتم که مربوط به قبل از آن سالها بوده است!

گفتم: «اما آن زمان، اگر س کلاس سخنی هم می‌گفتم، علیه رژیم گذشته بوده است و ما با آن رژیم مبارزه می‌کردیم». گفتمند: «بله، شما با آن رژیم مبارزه می‌کردید، اما در جهت فکری دیگری»

گفتم: «پس موضوع تقشیش عقاید به همان می‌آید، حال آن که مجلس خبرگان، در همین روزها، اصلی از اصول قانون اساسی را تصویب کرده است که در آن، تقشیش عقاید به سراح منیع شده است.»

میرساند، ما به این جنبه معرفتی و فرهنگی، به پیشرو همکاران و دانشمندان علوم اجتماعی، نیاز مبرم داریم، و علمی بیانیه‌نویسند، تا بتوانند شاگردان و ارادتمندان فراوان خود را با تفکر دقیق و علمی آشنا سازند. معاری که خشت اول در کعبه نهاد، بنادار تاریخا بطرف کعبه می‌روند، سفسطه‌های ظریف شبیه علم یکی از گذشته‌ترین زهرهاست و جعل مطلق بر آن ترجیح دارد.

ایشان که خواسته‌اند مرا دست بسر کنند، گفتند: «شما همین گرفتاری شخصی را دارید، اما من گرفتاری‌های زیادی دارم». گفتم: «این موضوع برای من مسئله شخصی نیست، من به خود نمی‌اندیشم. به هزاران معلمی می‌اندیشم که در سراسر کشور کار می‌کنند و ممکن است به همین بیانه‌های پوچ و واهی از کار برکنار شوند و پیش از هر چیز زندگی آن‌ها مختل شود. به این نیروی عظیم کار می‌اندیشم که انصار طلبان غیرمسئول و کوتوله نظر، به خاطر اغراض و مقاصد خاص خود، دانش آموزان ما را، آموزش و پرورش ما را، از وجود آن‌ها محروم می‌کنند».

ایشان که دیگر جوابی نداشتند، مرا به آقای دکتر اسدی، معاون وزارت آموزش و پرورش حواله کردند. نزد ایشان رفتم، که در آن هنگام تشریف نداشتند و بسا هم، گرچه مکرر تلفن کردم، موفق به تماس با ایشان نشدم. در حالی که نزد آنم این موضوع چه ارتباطی با ایشان می‌تواند داشته باشد و ایشان چه می‌توانند بکنند.

این خطر و این تهدید بالای سر معلمان ما وجود دارد و چه بسا تاکنون بر سر بسیاری از آنان فرود آمده باشد. در یک مورد (آموزش و پرورش فارس) حتی به سراج در روزنامه‌ها هم اعلام شد که برخی معلمان از کار برکنار خواهند شد. در جاهای دیگر، به این سراج نکتند، اما کار خود را کرده‌اند و می‌کنند.

همه باید هوشیار باشیم و از آزادی شغل و امنیت شغلی، که جزء حقوق اساسی و اولیه هر فردی است، دفاع کنیم. باز در همین روزها مجلس خبرگان اصل «آزادی اشتغال» را تصویب کرده است.

آیا قرار است این اصول علمی شوند یا، زبانه لال، مانند اصول قانون اساسی گذشته، فقط روی کاغذ باقی بمانند؟

می‌خواستم این نامه را خطاب به آقای نخست‌وزیر بنویسم، اما ترجیح دادم آنرا خطاب به ملت مبارز و هوشیار و انقلابی ایران بنویسم. با این همه توجه جناب نخست‌وزیر و آقای کنیل وزارت آموزش و پرورش را به این موضوع حساس و بسیار مهم جلب می‌کنم؛ آیا هر رئیس اداره‌ای، به سلب خود دست به این بی‌قانونی‌ها می‌زند، یا خدای ناگردد دستور کلی در این باره صادر شده است؟ و اگر چنین است، از طرف چه مقامی و به استناد کدام قانون؟

شاید انصار طلبان کوته نظر بگویند که این معلمان درس کلاس «تبلیغات سیاسی» می‌کنند. (بگذریم از این که این اصطلاح کجاست است می‌تواند شامل مثلا معلم تعلیمات اجتماعی هم بشود که درباره مکتب های سیاسی سخن گفته).

دربارهٔ این شخصیت‌ها چه می‌توان گفت، زیرا در حالی که میتوانم نظر آنم را در روزنامه‌ها و سایر نشریات بنویسم و به همه از آن طرف «تبلیغ» کنم، مستخیره است که کلاسی را که بیست یاسی دانش آموز دارد، برای چنین کاری انتخاب کند. اما دربارهٔ دیگران هم قفاص قبلا جنابیت نمی‌شود کرد. میان اندیشه و عمل تفاوت است. به صرف اعتقاد به اندیشه‌ای که ما دوست نداریم و نمی‌پسندیم، نمی‌توان معلمی را از کار برکنار کرد. اگر دست به عمل زد، یا به قول شماس کلاس تبلیغات سیاسی کرد، وظیفهٔ مدیر مدرسه است که به او اخذ کار کند و او را از این کار بازدارد. و اگر سوومند نیفتاد، آن هم با دلایل کافی و اقبات موضوع، نه به صرف این که دانش آموزی یا ولی دانش آموزی گفته است که من از قیافت این خانم یا این آقای خوش تمی‌آید، آن معلم را نباید در اختیار اداره گذاشت. میان این کارها برکنار کردن بی‌دلیل و فقیر قانونی، زمین تا آسمان تفاوت است.

در پایان، از همه همکاران گرامی که دچار تضییقات غیر قانونی شده‌اند یا احساس نا از کار برکنار کرده‌اند، تقاضا می‌کنم که ما چاره‌ای خود را، تا آنجا که بتوانند، با دلایل و سند و مدرک (گرچه این روزها، خیلی‌ها نیازی نمی‌بینند که برای کاری که می‌کنند سند و مدرک ارائه دهند) بنویسند و برای من (به نشانی تهران پاری، خیابان ۱۳۰، شماره ۴) بفرستند.

شاید همین کار سنگ بنای اولی مجموعه‌ای باشد، مثلا بنام انجمن دفاع از آزادی شغل و امنیت شغلی.

۱۳۵۸ مهر ماه

فریدون تنکابنی

ردیف	نام	آدرس	شماره	تلفن
۱	احمد تبریزی	تهران، خیابان ۱۶ آذر	۶۸	۹۳۴۵۹۳۳۳۲۸
۲	حمید			
۳	حمید			
۴	ناصر کشاورز			
۵	نوشین کی‌منش			
۶	گروه مشعل‌مدان			
۷	هوادران حزب بدر فیروزکوه			
۸	عده‌ای از دانش‌آموزان			
۹	هوادران حزب درک			

در مطبوعات کشور

حجت الاسلام اشراقی: اعلام خطر می‌کنم

«کسانی که خط می‌کشند امام را در جامعه می‌پایه میکنند، اگر همانک و همندا نباشند، نه تنها مشکلات حل نمی‌شود، بلکه مشکل بر مشکلات موروثی ما اضافه می‌گردد و متاسفانه بین این گروه‌ها سازنده‌ها در تقیبه پیاپی کرده‌اند خط می‌کشند رهبری هستند، هیچ نوع هماهنگی و وحدت کلمه، در اینجا یکم سن در استاها و شهرها و در روستاها مطالعه کردم، وجود ندارد و در این زمینه به نظر من بر امام لازم است که

میرساند، ما به این جنبه معرفتی و فرهنگی، به پیشرو همکاران و دانشمندان علوم اجتماعی، نیاز مبرم داریم، و علمی بیانیه‌نویسند، تا بتوانند شاگردان و ارادتمندان فراوان خود را با تفکر دقیق و علمی آشنا سازند. معاری که خشت اول در کعبه نهاد، بنادار تاریخا بطرف کعبه می‌روند، سفسطه‌های ظریف شبیه علم یکی از گذشته‌ترین زهرهاست و جعل مطلق بر آن ترجیح دارد.

چگونگی حل مشکل مسکن در ایران

ساله، ابتدا از روستاها و شهرهای کوچک آغاز کرد.

توضیح آنکه، اگر مجموعه عملیات لازم برای آبادانی مناطق مختلف مملکت (از جمله تأمین مسکن) مورد توجه قرار نگردد و تنها با سرمایه‌های موجود، توجه به مسکن در روستاها و شهرهای کوچک، نه تنها حاصل‌شود، ولی در حقیقت مشکل حل نشده است، زیرا پس از چندین ساله، باید چنگی از زمین‌های اقتصادی هر منطقه باشد، توجه به ایجاد منازل ارزان قیمت و شرایطی قسومی و اقلیمی ضرورت دارد، زیرا در گذشته، بدون در نظر گرفتن شرایط زیست‌محیطی، به خانه‌سازی برای مردم روستاها مبادرت گردیده، که خاطر به تلخ آن هنوز در ذهن همگان باقی است.

بدین طریق است که میتوان برنامه‌های خانه‌سازی را در کنار برنامه‌های دیگر آبادانی موقوف اجرا گذاشت و با ایجاد شرایط مناسب برای زندگی در روستاها، مشکل مسکن، از فشار مهاجرهای داخلی به شهرهای بزرگ کاست.

یکی از مشکلات اساسی دولت موقت، که از رژیم شاه منبوع به ارث مانده، مشکل مسکن است که در اثر سوءحکومتی سردمداران رژیم گذشته بصورت مسئله پیچیده‌ای درآمده و مدام که به آن، در پیوند با سایر مشکلات توجه نشود، حل آن امکان‌پذیر نخواهد بود.

چندی پیش روزنامه‌ها خبر دادند که بنیاد مسکن به کانی که خانه نداشتند مسکن خواهند داد و بدین ترتیب تاسیدن فصل زمستان مشکل مسکن حل خواهد شد.

بلافاصله وزارت مسکن اعلام کرد که ضبط خانه‌های خالی نیاز به تصویب قوانین ویژه دارد و در نتیجه مسئله معوق ماند. اخیراً مجدداً بنیاد مسکن وعده داد که تا سال دیگری به کلیه خانوارهای ایرانی خانه داده خواهد شد. اما یک‌دروز بعد، وزارت مسکن عدم موافقت خود را در مورد واگذاری درخواستی بنیاد مستضعفین اعلام کرد.

البته اگر تصور کنیم که تنها با واگذاری خانه‌های مصادف شده و خانه‌های عوامل متورمی رژیم



دوستی با اتحاد شوروی برای همه خلقهای عرب حائز اهمیت فراوان است

مطبوعات کشورهای عربی نتایج مذاکرات رئیس جمهور سوریه، حافظ اسد، را با رهبران اتحاد شوروی مورد تفسیر قرار داده این مذاکرات را ثمربخش دوستی در میان آنها می‌بینند. روزنامه «دشمن» می‌نویسد:

مذاکرات شوروی و سوریه با توجه به جویسایه که در نتیجه اعضاء موافقت‌نامه‌های «کمپاری» در خاور نزدیک پدید آمده و بر فشار امریکا و مذهبوتسم روی کشورهای عربی می‌افزاید، و در رابطه با مبارزات سوریه و دیگر کشورهای ملی و میهن پرست منطقه علیه بلوک تجاوزکار جدید ایالات متحده امریکا، مصر و اسرائیل، اهمیت فوق‌العاده‌ای کسب میکنند. اهمیت این مذاکرات از آنجاست ناشی می‌شود که اتحاد شوروی درجهجهت‌جهانی مبارزه بر ضد امپریالیسم فتر عمده و مؤثری را به عهده دارد.

همکاری سوریه و اتحاد شوروی در امر مقاومت در برابر توطئه‌های امپریالیسم و تجاوزگری مذهبوتسم، در دفاع از جنبش رهایی بخش ملی کشورهای عرب و ایجاد شرایط لازم برای استقرار صلح عادلانه و پایدار در خاور نزدیک بر محیط این منطقه تأثیر مثبت می‌گذارد و به کوشش‌های همه خلقها بنفع صلح مساعدت می‌کند.

دوستی اتحاد شوروی برای همه خلقهای عرب حائز اهمیت فراوانی است و هر کوششی در جهت تقویت و گسترش این دوستی به نفع خلقهای عرب و محکوم به شکست است. روزنامه «الرای» چاپ اردن می‌نویسد:

نیازی نبیانی این مطلب نیست که اتحاد شوروی به مثابه یکی از دودولت بزرگ جهانی در استحکام صلح در منطقه و جهان، بزرگترین نقش را دارد.

پیروزی حزب کمونیست ژاپن در انتخابات مجلس نمایندگان

دفتر دائمی هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن اعلامیه‌ای درباره نتایج انتخابات سراسر کشوری بارلمان ژاپن منتشر ساخت. در اعلامیه آمده است که موفقیت کمونیستهای ژاپن، که تعداد کرسی آنها در مجلس نمایندگان، عالیترین ارگان قانونگذاری کشور، در این انتخابات دو برابر شده، گواه بارز پشتیبانی روز افزون توده‌های وسیع مردم از سیاست حزب کمونیست ژاپن است. سیاست حزب مبتنی است بر دفاع و پشتیبانی قاطع از منافع واقعی توده‌های زحمتکش، مبارزه بنظر صلح، دموکراسی و ترقیات اجتماعی. در اعلامیه روی اهمیت فراوان پیروزی حزب کمونیست ژاپن در انتخابات، از نظر نظر دور نمای سیاسی ژاپن در راه‌های آینده، تاکید شده است. اعلامیه یادآور شده است که حزب کمونیست در پاسخ به پشتیبانی انتخابات کنندگان، تمام هم‌خوردن‌های عملی ساختن وعده‌های خود بکار خواهد برد و با عدم رایزنی در راه تغییر سیاست ژاپن و تشکیل جبهه واحد همه نیروهای ترقیخواه و ایجاد دولت دموکراتیک مبارزه خواهد کرد.

یاد افسران شهید توده‌ای فراموش نشدنی است

تکه روزنامه‌ای، که برویش شقایقهای سرخ مبارزات مردم کشور ما، عکسهایی از افسران توده‌ای، نقش بسته بود، بهمراه نامه‌ای به دفتر «مردم» رسیده. گواه زندگی و مبارزه جاودان افسران شهید توده‌ای در وجود حزب توده ایران و در قلب و اندیشه توده‌های مردم، گواه تأثیر نازدودنی عزم و آمالشان بر آنان که دل دربرشان برای استقلال و آزادی میهنشان می‌تپد. اینک آن‌نامه:

روزهای انقلاب است که در رویتان بر دست مرمی تاخاؤ، نگار گل زردی ما بزرگی نیست گناه بدبالی پیروری - پیروری بر جان خردوران و درخشان شاه که سالیان پیش زانداش را به خارت برده بودند و زینده‌اش را بر اسارت در زندانهای محض سالیان همس کردند... روزی که ارزش ایران را تسلیم نشت شد - ما بزرگی برگزار مجرای رشتما داد و با همه ایلی که در شاربش گویش بچار می‌شد گفت:

جای... این... با... خالی

نگاه کردم، عکسهای پوزای فرزندان استیمنست‌توده‌ای ما، نقش ایلی از افسران تیره‌ای شده که خراب توده ایران که آن راسایان روز در بلائی پارهای این تچه و آن تچه نیش‌کرمه بود، در قاره مجرای ارسال ۱۳۲۳... که گافندی شده بودند و فرسوده از اسباب نسانی و گذشت گستره روز و ماه.

دروز، روز بزرگداشت بیت و پنجمین سالگرد افسران جان باخته‌ی توده‌ای، ما بزرگی بیار بود و بنیاد در این بزرگداشت عزیزان شرکت کند، ولی با باقاری مبارک ما یلی از رشتا داشت زمین عادت کاین و دیکه یا مجرباب و در خیره مرکزی حزب توده ایران بجم، تا، شاید، این مگسام که گمراه فرزندان و نوزاد گاش، هرگاه بگوئید که رف و بر بگیا، شاه نیتخیای تانفر ساجر و متسا در مردم گوهر - به - نشنماکی آنها بود - به - ری - ای خود می‌نویسد و کاشخه‌یکه پارگی و جنبیای بیار دارد...

کیرک

پاکسازی در دستگاه دولتی خواست مبرم انقلاب است

بقیه از صفحه ۸

از ۴ هزار کارکنی که در دست داشتند، اخیراً نام‌های ۲۸ هزار نفر در ۲۸ ماهه ۱۳۵۸ (از سده استفاده‌های مالی و سیاسی مدیران طاغوتی این سازمان شکار کرده و نوشته اند، متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب، ما شاهد ایفاء و یا جابجایی بسیاری از مدیران طاغوتی گذشته بوده‌ایم و خواست‌هایمان نسبت به برکناری این افراد کوتا آمدن است. آنان از صنایع اساسی مملکت بیجایی نرسیده است. آنها از نخست‌وزیر خواسته‌اند که نسبت به پاکسازی و کوتاه کردن دست مدیران طاغوتی از سازمان کنترشی، بشکل انقلابی عمل شود.

کارکنان شرکتهای تحت نظارت هیئت سرپرستی اموال از بزرگان می‌نویسند که:

«در آری هیئت سرپرستی، شخصی گمراه شده است که خود یکی از سرمایه‌داران بزرگ گذشته می‌باشد و اموال و کارخانجات وی اخیراً جزو ۵۱ سرمایه‌دار دیگر از سوی دولت ملی اعلام شده و اینک همین شخص، همراه با عده‌ای که اطلاعی از اداره امور این شرکتها ندارند، سرمایه عظیمی از بیت‌المال را در تصرف نابودی قرار داده‌اند.»

(بامداد ۱۶ مهر ۱۳۵۸)

اینگونه بدکاری‌ها در بیشتر کارخانه‌ها و موسسات تولیدی ملی شده، وجود دارد و کارکنان صدیق این موسسات از فقر و تنگدستی و سوء مدیریت برخی از مدیران جدید شکوه‌ها دارند.

مقامات مسئول در برابر اعتراض مردم، که چسرا باید دستگاه دولتی پیشین همچنان دست نخورده بکار خود ادامه دهد و وابستگان به رژیم پیشین، امروز هم مصدر مقامات حساس باشند، چنین پاسخ میدهند:

«در این کشور آدم کار داریم و یا می‌گویند، همه‌ما در دوران طاغوت مصدر کاری بودیم، نمیتوان همه را بیرون ریخت.»

روشن است که این هردو جواب سفسطه و در نتیجه مردود است. درست است که بعثت پسی توجیهی رژیم جهل‌پرور پیشین، نیروی انسانی کافی در اختیار نیست، ولی مسئله بر سر آنست که دولت، بعثت محدود مساندن در چارچوب نظریات گروهی خود، از نیروی انسانی موجود هم بدرستی استفاده نمی‌کند. آقای بازرگان

نخست‌وزیر صریحاً گفته است که من از آن جهت خوشان و دوستان خود را بر اس کارها گمراه‌ام که کسی دیگر را سراغ نداشتم. در حالیکه هزاران روشنفکر و متخصص و تحصیل‌کرده داخل و خارج کشور، که وقادار به انقلاب‌اند، فقط به گناه «دگراندیشی» متأسفانه خانه‌نشین‌اند و دولت نخواست از وجود این عناصر استفاده کند. نمونه این طرز عمل، تصمیم دانشگاه تهران مبنی بر بازگرداندن استادانی است که در دوران ریاست عالی‌جناب، رضا و نهادهای، طبق ماده ۱۳ بازنشسته شده‌اند، اما هنوز این تصمیم به مرحله اجرا در نیامده است و استادان شریفی را که به گناه مخالف با تصمیمات طاغوتی در دانشگاه بازنشسته شده‌اند بکار دعوت نکرده‌اند.

وجود عوامل وابسته به رژیم پیشین در رأس مقامات حساس کشوری، در ادارات، وزارتخانه‌ها، موسسات اقتصادی و غیره موجب شده است که اینجا و آنجا ضد انقلاب، به کمک این افراد، از زیر سر به خارج شود، تصمیمات نادرست این عناصر به اختلال بیشتر در اقتصاد کشور بینجامد، صنایع ملی شده دچار سوء مدیریت باشد، در مسیر انقلابی امور گرفتار شود، در وزارتخانه‌ها کم‌کاری و بی‌علاقگی وجود داشته باشد، عوامل ساواک در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی باقی بمانند، و بدین ترتیب آنکه، بی‌بهاه پاکسازی، افراد مترقی‌ای کارها برکنار شوند!

روشن است که منظور از پاکسازی، برکناری هر کارمند و هر رئیس اداره و حتی هر مدیر کلی نیست. هدف پاکسازی باید مرکزهای میان انقلاب و ضد انقلاب باشد و کسانی از کار برکنار شوند که با رژیم پیشین الفت معنوی داشته و در تصمیمات ضد خلقی آن شرکت داشته‌اند چنین پاکسازی ضرورت انقلاب ما و خواست عموم است و مسامحه در این امر به انقلاب صدمه خواهد زد. آیت‌اله منتظری درست می‌گوید که: «همان کارهای سابق که خیلی‌های آنها افراد ضد انقلابی بودند، یا آنها را بازنشسته کنند و یا کارها بگردانند و از جوانهای خلاق‌اند و کار بردار است استفاده کنند.»

بقیه از صفحه ۲

سمینار کشاورزی و روشکستی

در ده‌ها مایه نفر کشاورز با ۱۰۰ سرعابله فقط ۴ هکتار زمین دارد. در همسایگی ما کشاورزی است که ظاهر آن ۶ هکتار زمین بی حاصل دارد، ولی بجهای او در عرض هشت ماه یک کیلو گوشت نخورده‌اند. در این ده ۵۸ خانوار دهقان جمعا ۲۰۰ هکتار زمین دارند، و حال آنکه در همین ده یک نفر ۱۲۰ هکتار زمین حاصلخیز را فسخ کرده است. حال این ده‌ها می‌خواهند همین‌طور دست نخورده برای مالک نگاهدارند! آیا این است معنی اسلام؟ آیا در اسلام این کار شایسته است؟

همین دهقان می‌گفت: «دربلوک «بیضی» در امرجد در دهقانان فقیر پول کود شیمیایی هم داده‌ایم، ولی با کود ندادند. هرچه کود هست، مال ما است. ترا کتور نداریم، ولی مالک چندین دستگاه دارد. آبیم نداریم، مالک داد. شورای کشاورزی، که وزیر کشاورزی دست‌کرده و از مالکان سرما پیداران شهر تشکیل شده است، از مالک حمایت میکند، این شورا از اصل دست نیست! آنها نمی‌خواهند کشاورزی را درست کنند. باید از کشاورزان پرسید این چه جور شورایی است؟

دهقان امرجدی همچنین می‌گفت: «اگر در بلوک «بیضی» و امرجد اعتراض کنیم، مارا به زندان می‌برند. من خودم از اول شروع اصلاحات ارضی شاه زندانی شدم. در منطقه فارس همه‌جا این حالت بود. هنوز هم هست. تمام زن و بچه زندانها فراری شدند. من نماینده زارعیان بودم مرا شکنجه میدادند.

حالا هم همین‌طور است. حالا هم فرما را قبول نمی‌کنند. حالا هم کوچکترین اعتراض زندانی شدن دارد. در حال حاضر عده‌ای از دهقانان ما در زندان هستند. کسی تا باها، از آنها چیزی نپرسیده و به شکایت آنها هم رسیدگی نشده است. به دستور مالک آنها را زندانی کرده‌اند.

در پایان «سمینار»، مسئولان هر گروه نوشته‌ای را به عنوان حاصل کار گروه‌های شش‌گانه و به صورت «قطبنامه» خواندند و نظرها خواص کردند. در اکثر موارد فریاد اعتراض همه حاضران برآمد و خطاب به مسئولان گفتند، اینجا را که شما سرم‌بندی کرده‌اید، آن چیزهایی نیست که ما در جلسات «گروه» گفتیم و تایید شد. شما از خودتان درست کرده‌اید، همه در تأیید نظرات اولیه خودتان است. آقایان که هوا را پس دیدند، «قطبنامه‌ها» را پس گرفتند که «اصلاح» کنند!

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبار هم، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار در یافتی دقیق نبوده است. از آنجایی که «مردم» روزنامه‌ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجایی که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری به‌بار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

با سپاس
«مردم»

قرارداد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود